

زنان پایار

به کوشش لیلا محمدي

www.ketab.ir

سرشناسه: محمدی، لیلا، ۱۳۵۶ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: زنان پایار/ به کوشش لیلا محمدی.

مشخصات نشر: تهران: صریح، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۱-۱۱۱۷-۱ ۱۴۵۰۰ تومان

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: بالای عنوان: مقاومت به روایت زنان ایلام.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - زنان - خاطرات

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - مشارکت زنان

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ - ایلام (استان) - خاطرات

شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، نشر صریح

رده‌بندی کنگره: ۳۳۱۳۹۳ م ۳ ۱۶۲۷ DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳/۹۲۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۵۸۳۹۸

زنان پایار

به کوشش: لیلا محمدی

تحقیق: لیلا محمدی، آزاده میرابی

حروفچین: آزاده میرابی

همکار بخش‌هایی از مصاحبه کبری غیائی و افتخار کیخایی: صدیقه امامی

ویراستار: سارا مهدی‌نژاد

مدیر هنری و طراح جلد: مجید زارع

نام‌نویسته: استاد مسعود نجابتی

اجرای جلد: مریم و مهناز هادی

لیتوگرافی: فرایند گویا

چاپ: ستاره سبز

صحافی: نمونه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۱-۰۱۱-۷

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۳

تیراژ: ۱۵۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

ناشر: **صریر**

نشانی: تهران، خیابان شهید بهشتی، خیابان شهید سرافرازان، کوچه دوم، پلاک ۱۷،

سازمان هنری و ادبیات دفاع مقدس / تلفن: ۸۸۵۲۸۹۰۳-۵

مرکز پخش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پلاک ۱۲۶۶ / تلفن: ۶۶۹۵۲۱۰۸

مجری: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

سازمان نشر آثار و ارزش‌های مشارکت زنان در دفاع مقدس

با همکاری: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

فهرست

- ۹. مقدمه
- ۱۳. کتاب اول؛ زهر
- ۷۹. کتاب دوم. شهباز
- ۱۳۵. کتاب سوم؛ کبری
- ۱۷۳. کتاب چهارم؛ فرشته
- ۲۱۵. کتاب پنجم؛ ریحانه
- ۲۶۹. کتاب شناسی

www.ketab.ir

نوشتن مقدمه برای کتابی که دو سال و اندی با خاطرات آن، شب و روز زندگی کرده‌ای، کار چندان راحتی نیست. به خصوص که اگر تا به حال در این عرصه (خاطرات زنان ایلام از دوران دفاع مقدس) کمتر قلم‌فرسایی و خاطره‌نگاری شده باشد. از این رو بهتر دیدم گزارشی را به خواننده محترم ارائه‌نمایم تا در کلیات انجام کار قرار گرفته و اگر نقص و کمبودی هم دید، متوجه سختی‌های پیش روی نویسنده در طول انجام کار باشد.

اکنون که به متن آماده شده کتاب نگاه می‌کنم و راه طی شده برای مکتوب شدن خاطرات شفاهی زنان ایلام در نظر می‌آید، مثل گذشتن از آن همه مانع برای پیدا کردن راویان، راضی کردنشان به مصاحبه آن‌هم با فاصله چند سال از زمان رویدادها، حوادث و خاطرات، انجام مصاحبه در بدترین شرایط برای راوی و مصاحبه‌گر، تدوین خاطرات و محدودیت‌های زمانی‌اش، جمع‌آوری عکس و اسناد راویان و...، جز عنایت و باز عنایت حضرت حق جل جلاله نمی‌بینم.

دو سال و اندی پیش، زمانی که سیر مطالعاتی‌ام را برای انجام پروژه‌ای دیگر در خصوص زنان و دفاع مقدس شروع کرده بودم، متوجه شدم خاطرات زنان ایلام از دوران دفاع مقدس مغفول مانده است و همتی لازم بود تا این خاطرات جمع‌آوری شود. اما چند مشکل پیش

رو بود؛ ناشر و نهادی که مسوولیت پروژه را بر عهده گیرد، بانوانی که در دوران جنگ حضور و نقش داشتند و ارتباط گیری با این بانوان و از همه مهم تر بومی نبودن من و عدم آشنایی ام به زبان کردی.

مشکل اول به مدد همراهی های بی دریغ خواهران بزرگوارم خانم ها فاتحی و مجتهدزاده حل شد. برای پیدا کردن راه حل دوم به بانویی ایلامی، که از قبل با ایشان آشنایی داشتم، متوسل شدم تا به واسطه ایشان این ارتباط گیری حاصل شود. این بانو پل ارتباطی بنده با چند نفر از بانوانی شد که زمان جنگ در ایلام حضور و خاطره داشتند. هر کدام از این بانوان هم خود حلقه اتصال به بانویی دیگر شد. طوری که بعد از چند ماه از اتمام مصاحبه ها، هنوز هم معرفی بانوان صاحب خاطره ادامه دارد.

بانوان راوی با سعه صدر، بزرگواری و با کمال صمیمیت، هر آنچه که می توانست گوه های کور ذهنم درباره ایلام را باز کند، بازگو کردند. اغلب خاطراتشان را به فارسی نقل می کردند. هر چند برای بعضی از این عزیزان، مثل خانم اکبری، تکلم به فارسی سخت بود. خانم عباسی هم که فارسی بلد نبود، به کردی صحبت کرد و دختر خانمشان، شیما، حرف هایشان را ترجمه کرد.

در این میان خاطرات برخی از خانم ها مثل خاطرات خانم دکتر خلیلوند و خانم شریفی، بیشتر متعلق به کرمانشاه بود و ناگزیر کنار گذاشته شد. برخی دیگر نیز به رغم همراهی های اولیه، تا به آخر پای کار نماندند.

با این حال، خاطرات و گزارش های ارائه شده، حضورم در استان ایلام و مشاهده مکان وقوع حوادث، آن قدر دستم را پر کرد که پازلی که در ذهنم برای ساختار کار چیده بودم، تکمیل شد. هر چند کاستی های زیادی دارد که هم به قلم ناقص بنده و هم فراموش کردن خاطرات

راویان، به خاطر سال‌های سال بی‌توجهی مسوولین امر به این خاطرات، برمی‌گردد. از این رو از خواننده محترم درخواست می‌کنم این کتاب را به عنوان مکتوبی از «حرف‌های سال‌های سال نگفته زنان مقاوم ایلام» بنگرند تا با مطالعه آن، هم دلانه با حس غربت و مظلومیت این زنان هم‌راهی کنند.

وقتی رژیم بعثی عراق به خاک کشورمان حمله و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرد، زنان ایلام محکم و استوار پای زندگی در منطقه جنگی و زیر بمباران‌های وحشیانه دشمن، که تا صد و هفتاد و هفت حتی سیصدبار هم ثبت شده، ایستادند، از خانه‌هایشان آوازه و مجبور شدند در روستاها و دشت‌های اطراف چادرنشینی شدند، اما حاضر نشدند استایشان را ترک کنند.

هرچند آن‌ها مثل دختران قهرمان خرمشهر و آبادان با اسلحه جلوی دشمن نایستادند، اما با «زندگی مقاومتی‌شان» درس پایداری به ما دادند. و این نکته‌ای است که معارفانه از دید نویسندگان و تدوین‌گران خاطرات دفاع مقدس نادیده گرفته شده است.

عظمت پایداری این بانوان آن قدر بود که وقتی در خلال مصاحبه‌ها داغ از دست دادن پدرم بر دلم نشست، از این بانوان درس صبوری گرفتم. امیدوارم این کتاب به رغم تمام کمبودهایی که دارد و البته در هر کار اولی این نواقص وجود دارد، بتواند حس قشنگ پایداری و صبوری را به زنان و دخترانمان منتقل کند.

اصلی‌ترین نگاهم در تدوین این کتاب «زندگی مقاومتی» بود. سبکی از زندگی، که ایلامی‌ها در دوران دفاع مقدس به خوبی آن را به نمایش گذاشتند.

بعد از اتمام کار، بزرگوارانی بدون هیچ چشم‌داشت مادی، قسمت‌هایی از خاطرات را مطالعه و نظرات ارزشمندشان راه‌گشای

من در اصلاح نقاط ضعف کار بود؛ جناب آقای رحیم مخدومی، برادر دانشمند جناب آقای محسن کاظمی که با سعه صدر کار را مطالعه و تذکرات ارزشمندی دادند، خواهر بزرگوارم خانم معصومه رامهریزی که ضمن مطالعه قسمتی از کار و راهنمایی‌های مفیدشان زمینه‌آشنایی بنده را با استاد غنی‌یاری فراهم کردند و نیز استاد ارجمند آقای محسن غنی‌یاری.

در پایان از همراهی‌های بی‌دریغ همسر علی منصوری و فرزندم محمد مهدی که در تمام طول مصاحبه و تدوین، صبوری و تحمل کردند، همچنین خانم سکینه قاسم‌زاده، سردار قاسمی، سرهنگ امید، آقای کریم نظری و آقای سعید زاهدی صمیمانه تشکر می‌کنم.

لیلا محمدی

مهر ۱۳۹۲